



# مثل و تمثیل

مهديه مللی\*

مرزبان نامه کتابی است در پند و امثال و در واقع کتابی تعلیمی و حکمی است. بر طبق روایات موجود اصل این کتاب در اواخر قرن چهارم هجری توسط یکی از شاهزادگان طبرستان بنام مرزبان بن رستم بن شروین به زبان طبری تألیف شده و مؤلف قابوسنامه، عنصرالمعالی نخستین نویسنده‌ای است که از این کتاب نام برده

از شاهزادگان طبرستان بوده و این شاهزاده شاعر هم بوده است. در آن روزگار شعرای طبرستان به شیوه شعرای ایرانی پیش از اسلام شعر می‌گفتند. نویسنده، این کتاب را به لهجه قدیم طبرستانی در مازندران تألیف کرده و پس از دو قرن، تقریباً در یک عصر، دو نفر، سعدالدین وراوینی و محمدبن غازی ملطیوی (malatyavi) بی‌آنکه هیچ یک از کار دیگری مطلع باشد، این کتاب را از لهجه طبری به فارسی برگردانده و با شعرها و مثل‌های عربی و آیه‌های قرآن بیاراستند. کتابی که امروز بنام مرزبان نامه معروف است، ترجمه و تهذیب وراوینی است که قبلاً توسط ملطیوی تحت عنوان روضة العقول (rozatoloquell) ترجمه شده بود. با توجه به مباحث مذکور می‌توان گفت: روضة العقول و مرزبان نامه دو همزادند که در کنار یک دایه پرورش یافته‌اند و تنها تفاوت آنها این است که: در روضة العقول لغات تازی غریب بیشتر از مرزبان نامه بکار رفته است، از نظر زبان نثر آن مصنوع تر می‌نماید؛ به شعر پارسی هم در آن کمتر استشهد شده است و بیش یا کم به اصل طبری نزدیکتر است. زیرا مرزبان نامه در نه باب است و روضة العقول در یازده باب، و بسیاری از مطالب که در روضة العقول هست در مرزبان نامه نیست و مترجم مرزبان نامه خود به حذف

از قدیم ایام رسم بر این بوده کسانی که قصد پند و اندرز داشته‌اند هیچ‌گاه سخنی را پوست باز کرده و صریح و آشکار در موعظت و نصیح با بزرگان و مخادیم نمی‌گفتند و در واقع آن را بی‌اثر می‌پنداشتند. بنابراین صلاح آن می‌دانستند، که پند و نصیحت خود را در لباس کنایات، استعارات و تمثیل از زبان جانوران ادا کنند و این رسم در میان دانایان هند و ایران مقرر و مسلم بوده است. به همین دلیل کتب متعددی مشتمل بر کنایات و استعارات و تمثیل تألیف شده، که یکی از آنها کتاب مرزبان نامه است.

مرزبان نامه کتابی است در پند و امثال و در واقع کتابی تعلیمی و حکمی است. بر طبق روایات موجود اصل این کتاب در اواخر قرن چهارم هجری توسط یکی از شاهزادگان طبرستان بنام مرزبان بن رستم بن شروین به زبان طبری تألیف شده و مؤلف قابوسنامه، عنصرالمعالی نخستین نویسنده‌ای است که از این کتاب نام برده. «جده تو مادرم، دختر ملک زاده مرزبان بن شروین بود که مصنف کتاب مرزبان نامه بود و سیزدهم پدرش کیوس بن قباد بوده برادر ملک نوشروان عادل.»<sup>۱</sup> نویسنده، این کتاب را از زبان جانوران به شیوه کلیله و دمنه تألیف کرده. اصفهید مرزبان بن رستم بن شروین

(لغت نامهٔ دهخدا، زیر مدخل واژهٔ تمثیل)

### ابن رشیق درباره تمثیل چنین می‌گوید:

تمثیل از شاخه‌های استعاره است و در نظر بعضی از مماثله است و آن چنین است که چیزی را به چیزی تمثیل و همانند کنی که در آن اشارتی باشد و همچنین می‌گوید: تمثیل و استعاره از مقولهٔ تشبیه اند، جز اینکه ادات ابزار تشبیه در آنها وجود ندارد.

(صور خیال در شعر فارسی، ص ۶۵)

### تعریف سکاکی از تمثیل

سکاکی هم در مورد تمثیل توضیحی داده که شاید یکی از کاملترین توضیحات باشد او می‌گوید. اگر در تشبیه «وجه شبه» صفتی غیر حقیقی باشد و از امور مختلف انتزاع شده باشد تمثیل خوانده می‌شود.

(همان، ص ۶۷)

### تعریف خواجه نصیرالدین از تمثیل در

#### اساس الاقتباس

خواجه در اساس الاقتباس تمثیل را با نام استدلال می‌خواند و می‌گوید: «استدلال چنان است که از حال شبیه بر حال دیگر شبیه دلیل سازند.»

(همان، ص ۱۴۶)

### تعریف عبدالقاهر جرجانی

عبدالقاهر جرجانی نکته‌ای دیگر در این باب دارد که قابل توجه است او در این باره می‌گوید: «تشبیهی که بیشتر شایسته عنوان تمثیل است، تشبیهی است که جز در کلام و یک جمله یا بیشتر گنجانده نمی‌شود. چنانکه تشبیه هر قدر به عقلی بودن نزدیکتر شده باشد، جمله بیشتر خواهد بود.»

(بدوی طبانه، البیان، ۷۷۰، نقل از کتاب صور

خیال در شعر فارسی، ص ۶۷)

### جلال الدین همایی

جلال الدین همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی دربارهٔ تمثیل چنین می‌گوید: «تمثیل آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبیه

بعضی مطالب متن طبری تصریح می‌کند. با ذکر تفاوت‌های بین مرزبان‌نامه و روضة العقول ذکر این مطلب ضروری است که این دو نویسنده هر دو از تکلفات معاصران یا استادان مشهور مانند بهاء‌الدین بغدادی و محمد نسوی و دیگران اجتناب جسته و همانند کلیده و دمنهٔ ابوالمعالی به همان موازنه، ازدواج و مترادفات اکتفا کرده و حتی الامکان از آوردن سجع‌های پی در پی تن زده‌اند.

خلاصه می‌توان گفت: «مرزبان‌نامه یکی از جواهر پررهای ادبیات فارسی است و به همراه کلیده و دمنه دو گوهر جنابه‌اند، که همراه هم بر دیهیم کلام فارسی قرار دارند و نور دیگر جواهر هم از این دو مستعار است. و تا کسی در نثر فارسی غور و تأمل و تحقیق و تتبع نکرده باشد پی به حقیقت این سخن نمی‌برد. و ارزش این گوهر شب چراغ نشناسند.»<sup>۲</sup> و همچنان است که نویسنده زیر دست مرزبان‌نامه خود می‌نویسد: «آنکه صاف ساغر انصاف نخورده باشد، و نشوان این شراب مختلف الالوان نگشته، از ذوق آن خبری باز ندهد که ممکن که مذاق حال او بر عکس ادراکی دیگر کند.

«وَمَنْ يَكُ ذَاقِمٍ مَرِّ مَرِيضٍ يَجِدُ مَرًّا بِهٖ مَاءَ الزَّلَالَا»<sup>۲</sup>

### تمثیل از گذشته تا حال

#### دهخدا

دهخدا در لغت‌نامه واژهٔ تمثیل را از جهت لغوی و از نظر علم بدیع تفکیک نموده است: «از نظر لغوی آن را معادل مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیزی دیگر» ذکر کرده. در اصطلاح بدیع این واژه را از جمله استعارات برمی‌شمارد، اما استعاره‌ای که به طریق مثال توسط شاعر یا نویسنده بیان می‌شود و آن هنگامی است که او می‌خواهد به معنی اشاره کند و برای این منظور از لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر کند سخن به میان می‌آورد و از آن به عنوان مثال سخن خود استفاده می‌کند و این شعر را به عنوان مثال آورده:

«کرا خرما نسازد خار سازد

کرا منبر نسازد دار سازد»

در اینجا منظور شاعر آن است که هر دشمنی با مدارا دوست نگردد باید چارهٔ او را با قهر و دشمنی نمود.



مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند، و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیة سخن می شود و گاه باشد که آوردن یک «مثل» در نظم یا نثر و خطا به و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود جلب توجه شنونده، بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.

(فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۲۹۹)

### شمس قیس رازی

تمثیل از جمله استعارات است الا آن که این نوع استعاراتی است به طریق مثال چون شاعر خواهد که به معنی بی اشارتی کند. لفظی چند که دلالت بر معنی بی دیگر کند بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از معنی خویش بدان مثال کند. چنانکه ازرقی گفته است:

ز مرد و گیه هر دو هم رنگ اند

ولیک زین به نگین دان کشند وزان به جوال

(المعجم فی معاییر اشعار العجم ص ۱۹۷)

با توجه به تعاریف گذشتگان از تمثیل می توان گفت تمثیل همواره از جانب بلاغیون مورد تأویل و تفسیر قرار گرفته. دسته ای از آنها با توجه به تعاریفی که ذکر شد تمثیل را نوعی استعاره گفته اند و دسته ای دیگر بر آن عقیده هستند که تمثیل از جمله تشبیهات است. شفیعی کدکنی شاعر و منتقد معاصر معتقد است:

«تمثیل شاخه ای از تشبیه است و به همین دلیل در کتب بلاغی عنوان تشبیه تمثیلی فراوان دیده می شود. همچنین معتقد است که این شاخه از صور خیال شاعرانه، در ادب فارسی، تکامل و اوج خاص خود را در شعر دوره های بعد از قرن هفتم و بخصوص در شعر شاعران اسلوب هندی، طی خواهد کرد چنانکه در این بیت می خوانیم:

روشندلان خوش آمد شاهان نگفته اند

آئینه عیب پوش سکندر نمی شود.»<sup>۴</sup>

بنابراین می توان گفت: در حکایات تمثیلی، اشیاء و موجودات معادل مفاهیمی هستند که خارج از حوزه آن روایت شده، به این خاطر در روایات تمثیلی، اشخاص اغلب چهره های تشخیص یافته معانی انتزاعی هستند. در ادبیات فارسی نمونه های

درخشان کاربرد تمثیل را می توان در حکایات مرزبان نامه، کلیله و دمنه و منطق الطیر شیخ عطار جستجو کرد. در ادبیات انگلیسی نمایشنامه مردم متعلق به قرون وسطی و سفر زائر اثر جان بنیان نمونه هایی تمثیل هستند.

بنابر بحث های که شد می توان گفت: تمثیل نوعی تشبیه است که نویسنده مقصود و منظور اصلی خودش را در قالب الفاظ سمبلیک بیان می کند؛ زیرا اینگونه سخن، تأثیر زیادی بر خواننده می گذارد. هنگامی که خواننده در دل خویش مثالی را تصور کند که مخاطب مستقیم آن نیست با شوق و رغبت بیشتری آن را می پذیرد. چنانکه شفیعی کدکنی در کتاب صور خیال این چنین می گوید:

«تمثیل، همین نوع تمثیلی است که صاحب انوارالربیع و متأخران بدان نظر داشته اند و آن عبارت است از: «تشبیه حالی است به حالی از رهگذر کنایه، بدین گونه که خواسته باشی به معنایی اشارت کنی و الفاظی بکار ببری که بر معنایی دیگر دلالت دارد. اما آن معنا خود مثالی باشد برای مقصودی که داشته ای، و اینگونه سخن گفتن را فایده ای است ویژه خود، که اگر به الفاظ خاص خود گفته شود، چندان تأثیر ندارد و راز آن در این است که در ذهن شنونده تصویری بیشتر ایجاد می کند. زیرا شنونده هنگامی که در دل خویش مثالی را تصور کند که مخاطب مستقیم آن نباشد، با رغبت بیشتر آن را پذیرا خواهد شد.»<sup>۵</sup>

### رمان تمثیلی (Allegorical Novel)

رمان تمثیلی رمانی است که در آن درونمایه و خصلت و شخصیت، جانشین مفاهیم دیگر هستند. به همین دلیل رمان دارای دو بعد است، بعدی که مورد نظر نویسنده است و بعدی که در آن درونمایه و خصلت و شخصیت مجسم می شود. مثل قصر، نوشته کافکا و «بوف کور» نوشته صادق هدایت که از مصالح و رویدادهای به ظاهر واقعی برای بیان اغراض فلسفی و عرفانی و اجتماعی استفاده شده و در کل جنبه تمثیلی دارد.

در قصه های قدیمی تمثیلها بسیار ساده و مشخص و قابل فهم هستند. کلیله و دمنه که اصل



و مبدأ آن از هند است نمونه خوبی از قصه‌های تمثیلی است. چنانکه فولکلورشناسان بزرگ فرانسوی معتقدند: «اگر خاستگاه همه قصه‌های حیوانات کتاب پنج‌تنترا «کلپه و دمنه» مغرب زمین و در وهله اول یونان است، قصه‌های شگرف جادو همه از هند می‌آیند که در آنجا اغلب راهبان بودایی در تعالیم خویش از آنها بر سبیل تمثیل و قیاس سود جستند.»<sup>۶</sup>

در ادبیات امروز رمان تمثیلی به رمان نمادین بسیار نزدیک شده و نمی‌توان به سادگی مفهوم جان‌نشین شونده

نقل شده از کتاب مذکور هر جا از «رمز» و «داستانهای رمزی» صحبت شده منظور «نماد» و «داستانهای نمادین» است.

«نزدیکترین نوع تمثیل به داستانهای رمزی همان است که در فرنگی به آن الگوی (allegory) می‌گویند. در این نوع تمثیل ظاهر متن به منزله حجابی است که معنی و مقصود مورد نظر نویسنده یا شاعر در زیر آن پنهان است و نویسنده خود هیچ اشاره صریحی به معنی مکتوم در متن نمی‌کند. یا به عبارت دیگر خود به تفسیر متن و رمزهای آن نمی‌پردازد. در واقع درک و فهم معنی و مقصود نویسنده بر عهده خواننده است، آنچه خواننده را ترغیب می‌کند برای کشف معنی مکتوم یا دعوتی است که خود نویسنده از خواننده به عمل می‌آورد، یا به دلیل رگه‌های عدم واقعیت در تمثیل است. زیرا در بسیاری از تمثیلهای هر کدام از حیوانات و اشیاء نماینده اشخاص یا مفاهیم دیگر هستند که به این نوع تمثیل، تمثیل رمزی گفته می‌شود. در تمثیل کتمان معنی و مقصود از روی قصد و اراده خود نویسنده صورت می‌گیرد. بنابراین خلق تمثیل نتیجه فعالیت ذهنی و نیروی تعقل و تخیل نویسنده در کتمان اندیشه با واقعیتی از پیش معلوم، از طریق رمزهایی اختیاری در طرحی داستان گونه است. نویسنده خود این رمزها را برای اشاره به اشخاص با مفاهیم معلوم، اختیار و انتخاب می‌کند.»<sup>۷</sup>

بنابر گفته‌های مذکور می‌توان گفت: رمز در تمثیل نوعی علامت قراردادی است که نویسنده قبل از پرداختن به داستان آنها را در پیش خود قرار داد می‌کند، و آنها را بصورت مرتبط با یکدیگر در کنار هم قرار می‌دهد. چون در تمثیل اندیشه‌ای خاص پنهان می‌شود، بنابراین هر رمز و علامت، نماینده یک معنی معین است.

خوانندگان نیز می‌توانند با دقت و تأمل، معنی هر یک از علائم و رموز را بفهمند. معمولاً در کشف رمزها و دریافت معنی مکتوم اگر خواننده با جهان بینی نویسنده نیز آشنا باشد گمراه نمی‌گردد و به آسانی و بدون درهم ریختن نظم و ترتیب حاکم بر حوادث تمثیلی می‌تواند پی به مقصود اصلی نویسنده ببرد.

### افسانه تمثیلی (fable)

افسانه تمثیلی، به افسانه‌ای گفته می‌شود که می‌تواند منظوم یا منثور باشد. شخصیت‌های اصلی آن ممکن

### در ادبیات فارسی

#### نخستین افسانه تمثیلی

#### درخت آسوریک

#### به زبان پهلوی است

#### که شرح مناظره

#### یک درخت و بز است.

#### در ادبیات غرب،

#### نخستین مجموعه

#### افسانه‌های تمثیلی

#### را، به ازوپ

#### نسبت داده‌اند.

#### بعدها فدروس و

#### بابریوس

#### افسانه‌های تمثیلی

#### دیگری خلق کردند

را دقیقاً مشخص کرد. بعنوان مثال می‌توان به «بوف کور» هدایت اشاره کرد. هدایت هر جا که ضروری بوده از نماد استفاده کرده. مردی که با سایه خود حرف می‌زند و با رؤیاهای و خیالات خود سرگرم است. می‌تواند جنبه تمثیلی پیدا کند. این رمانهای تمثیلی نیازی به توضیح و تفسیرهای متعددی دارد که هر کدام از این تفسیرها ممکن است گوشه‌ای از داستان را روشن کند.

تقی پور نامداریان در کتاب رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی «برای «سمبل» واژه «رمز» و برای داستان سمبلیک «داستان رمزی» را برگزیده. بنابراین در قطعه



شی به شی است. در این معنی، مثل را می توان معادل تمثیل گرفت که خود یکی از صور خیال در علم بیان محسوب می شود. و در اصل یکی از انواع تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتابهای لغت دیده می شود. یکی از قدیمترین مواردی که از مفهوم تمثیل بی آنکه به این نام اشاره شود، یاد شده، نقد الشعر قدامة بن جعفر است که آن را از جمله اوصاف اثتلاف لفظ و معنی قرار داده و گفته است: آن عبارت از این است که شاعر خواسته باشد به معنایی



اشارت کند و سخنی بگوید که بر معنایی دیگر دلالت کند، اما آن معنای دیگر و سخن او مقصود و منظور اصلی او را نیز نشان می دهد.<sup>۹</sup> عبدالقاهر جرجانی، بحث دراز دامنی درباره تشبیه و تمثیل دارد و از تفاوتهایی که میان این دو وجود دارد سخن گفته است و تقریباً او بر این عقیده است که تشبیه عام تر است و تمثیل خاص تر، از نظر او هر تمثیلی تشبیه است اما هر تشبیهی تمثیل نخواهد بود و در یک تقسیم بندی تشبیه را به دو دسته تقسیم می کند: ۱. تشبیه تمثیلی: تشبیهی است که وجه شبه در آن

است از بین خدایان، موجودات انسانی، و حتی اشیاء بی جان انتخاب شوند. در این گونه افسانه ها هر کدام از شخصیتها مطابق با خصلت طبیعی خود رفتار می کنند و تنها تفاوتی که با وضعیت واقعی خود دارند آن است که به زبان انسان سخن می گویند و بیانگر نکته ای اخلاقی هستند. در ادبیات فارسی نخستین افسانه تمثیلی درخت آسوریک به زبان پهلوی است که شرح مناظره یک درخت و بز است.

«در ادبیات غرب، نخستین مجموعه افسانه های تمثیلی را به ازوپ نسبت داده اند. بعدها فدروس و بایروس افسانه های تمثیلی دیگری خلق کردند. بزرگترین نویسنده افسانه های تمثیلی در قرون وسطی در اروپا، ماری دو فرانس بود که یکصد و دو افسانه منظوم سروده است. پس از او لافونتن با افسانه های خود شهرتی جهانی کسب کرد. در ادبیات انگلیسی از جمله آثاری که در این زمینه بعنوان نمونه می توان ذکر کرد، کتاب جنگل از رود یار کیپلینگ و قلعه حیوانات نوشته جورج اورول است. قلعه حیوانات طنزی سیاسی است که در قالب افسانه تمثیلی نوشته شده.»<sup>۱۰</sup>

## مثل و تمثیل

مثل در لغت به معنی مانند، همانند، و مثل است: المثل و المساوی. تقول: هذا مثل هذا، كما تقول: هذا مثل هذا. این کلمه عربی را در فارسی گاهی به داستان یا داستان، نمون، سان، حالت و صفت ترجمه کرده اند. میبدی در ترجمه قرآن کریم مثل را به همه این معانی برگردانده است. اما خود کلمه مثل در ادبیات فارسی بیش از معادل های فارسی آن مورد استعمال دارد. میبدی معمولاً این معادل های فارسی را برای مثل در مواردی بکار برده است که یا جمله یا عبارت به شکل «مثل... مثل...» یا «مثل... کمثل...» بیان می شود. این صورت بیان معمولاً مقایسه میان دو چیز یا دو امر را بر اساس تشبیه بیان می کند.

تقی پور نامداریان در کتاب رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی درباره واژه مثل دیدگاه های مختلف را این گونه بیان می کند.

«ابن اثیر می گوید: یکی از معانی مثل، تشبیه است «مثل الشی بالشی: سواه و شبه ه به، جعله مثله و علی امثاله». کلمه مثل در اینجا و در همه جا به معنی تشبیه

در پارابل  
اغلب شخصیت‌ها  
انسان‌ها هستند و در  
آن نظام اجتماعی  
تجزیه و تحلیل  
نمی‌شود.  
بلکه شنونده بیشتر  
متوجه عقاید  
خود می‌شود.  
در پارابل آنچه که  
ذهن خواننده را  
از شکل داستان  
بیشتر متوجه  
واقعیت نقادی آن  
می‌کند تأکیدهای  
اخلاقی و روحانی  
پارابل است

امری آشکار و حقیقی نیست و نیاز به تاویل و تفسیر دارد و باید از ظاهر امر گردانده شود. زیرا مشبه به، در صفت حقیقی مشترک نیست و این هنگامی است که وجه شبه امری حسی، اخلاقی و غریزی و حقیقی نباشد بلکه امری عقلی آن هم عقلی غیر حقیقی باشد.

۲. تشبیه غیر تمثیلی: در اینگونه تشبیه، وجه شبه امری آشکار و خود بخود روشن است و نیازی به تاویل و گرداندن ظاهر نیست از قبیل تشبیه چیزی به چیزی از نظر صورت و شکل و یا از نظر رنگ و در تمام این موارد وجه شبه روشن است و نیازی به تاویل نیست.

معنی اصطلاحی دیگر «مثل»، عبارت است از قول سایر و مشهوری که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند چنانکه مبرد درباره واژه مثل چنین می‌گوید: مثل از مثال گرفته شده است، و آن قولی است سایر که بوسیله آن حال ثانی به حال اول تشبیه می‌شود و اصل در آن تشبیه است، مثل در این معنی بسیار مشهور است و گاهی نیز آن را ضرب المثل و مثال نیز می‌گویند. مثل ممکن است قولی کوتاه، و ممکن است به شکل یک داستان از زبان حیوانات و اشیاء و با حتی از زبان اشخاص، و مربوط به آنها باشد. چنانکه در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: واضرب لهم مثلا اصحاب القرية اذ جاءها المرسلون، در اینجا مثل در واقع به معنی داستانی است که شخصیت‌های آن و حوادثش مربوط به انسان می‌گردد.<sup>۱۰</sup>

علامه دهخدا در لغت نامه خود مثل را از دیدگاه‌های مختلف اینگونه بیان می‌کند:

۱. ناظم الأقطاب: مثل وصف حال و حکایت و افسانه و داستان و قصه مشهور شده که برای ایضاح مطلب آورند.

۲. یادداشت بخت مرحوم دهخدا؛ علاقه شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل نامند و چون تشبیه فاشی الاستعمال و شایع باشد آن را مثل خوانند.

۳. ابو یوسف یعقوب بن سیکت معروف به ابن السکیت (متوفی ۲۴۴): در تعریف مثل گفته: مثل جمله‌ای است که با مثل خود در لفظ مختلف و در معنی متحد باشد. مانند کوزه گر که اگر درباره خیاطی که جامه‌اش پاره است گفته شود. معنی و مفادش با معنی و مفاد این جمله که فلان با اینکه خیاط است جامه پاره می‌شود یکی است.

۴. ابو اسحاق ابراهیم بن سيار معروف به نظام گوید: در مثل چهار چیز مجتمع است که در سخنان دیگر با هم جمع نمی‌شود و آن عبارت است از کوتاهی و کمی لفظ و روشنی معنی و خوبی تشبیه و لطف کنایه و این آخرین پایه بلاغت سخن است که بالاتر از آن ممکن و متصور نیست.

۵. اسینسیوس اریستاتل فیلسوف یونانی (۳۷۰-۴۱۳م) گوید: مثل اثری از بنای درهم شکسته و فرو ریخته قدیم است که از میان ویرانه‌های بی حد و شمار آن بنا نمودار و به سبب اختصار لفظ و روشنی معنی و آسانی تلفظ باقی و پایدار مانده و از خاطر نرفته است.

۶. آبه دوسن پیر فرانسوی (۱۶۵۸-۱۷۴۳م) گفته: مثل آوازی است که از تجربه منعکس شده و عبارت کوتاه تر مثل (ردالصوت) تجربه است. از این اوصاف یا تعریفات معلوم می‌شود که ادبا و دانشمندان مغرب زمین هم اختصار لفظ و وضوح معنی و لطف ترکیب را از شروط مثل می‌دانند. زیرا تا اوصاف در عبارتی جمع نشود. آن عبارت مورد قبول عامه نمی‌شود و استعمالش در محاورات همگان شایع و رایج نمی‌گردد.<sup>۱۱</sup>

به هر صورت مثال، و تمثیل در زبان فارسی، به پیروی از زبان عربی، اغلب به جای یکدیگر بکار می‌روند، و همان طور که گفته شد گاهی نیز به انواع گوناگون داستان یا حکایتی گفته می‌شود که اگر چه ممکن است از نظر طول داستان و نوع شخصیت‌ها با یکدیگر فرق داشته باشند، اما همه جدا از شکل ویژه آنها مثل یا تمثیل می‌خوانند، در زبان فارسی کلمه «داستان» یا «دستان» نیز با همان ظرفیت معنی، معادل کلمه «مثل» عربی است، داستان بر معنی مثل، به داستانهای روایی بلند از قبیل داستانهای حماسی شاهنامه نیز اطلاق می‌شود و در زبان فارسی انواع گوناگون داستان هر یک نامی جدا و خاص خود ندارد و کلمات داستان، قصه، حکایت، مثل،



دکتر سیدروس شمسه

تمثیل اغلب مترادف یکدیگر بکار می‌رود.

بنابر مطالب مذکور می‌توان اینگونه گفت: داستان‌هایی که در کلیله و دمنه و مرزبان نامه از زبان حیوانات نقل شده است را می‌توان امثال نامید. زیرا بزرگان هنگامی که قصد موعظه و نصیحت داشتند آن را از طریق ضرب المثل از زبان حیوانات بیان می‌کردند.

### انواع داستان‌های تمثیلی

در زبانهای اروپایی این نوع تا اندازه‌ای از یکدیگر تفکیک شده است، آنچه به انگلیسی (proverb) گفته می‌شود، عبارت از گفته مختصر و مفید در تداول عامیانه که مثل ترانه‌های عامیانه و قصه‌های شعر گونه به تاریخ قومی تعلق دارد و در واقع قسمتی از زبان گفتار است. «Proverb» را همین طور شکل نصیحت آمیزی از ادبیات عامه دانسته‌اند که معمولاً محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است. کلمات دیگر یعنی allegory, fable, parable نیز به انواعی از داستان اطلاق می‌گردد که در فارسی برای هر سه تقریباً کلمه تمثیل را بکار می‌بریم. اما در ادبیات اروپایی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. اینک به توضیح هر کدام از آنها می‌پردازیم:

سیروس شمسیا درباره تمثیل و انواع آن این چنین می‌گوید: «تمثیل» (allegory) هم حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه به (= ممثل) است. در تمثیل اصل بر آن است که مشبه به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم.

در قرآن مجید آمده است: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ بِمَثَلِ قَوْمٍ لَمَّ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» یعنی مثل کسانی که تورات را با خود دارند اما آن را نمی‌فهمند (مشبه) مثل خری است که بر آن کتاب بار کرده باشند (مشبه به) یعنی کسانی که به کاری مشغولند اما معنای حقیقی آن را نمی‌فهمند رنج بی‌هوده می‌برند همانطور که مشاهده می‌کنیم در اینجا مشبه را ذکر کرده، در داستانهای تمثیلی گاه اینگونه است که مشبه را هم ذکر می‌کنند.

### انواع داستانهای تمثیلی از دیدگاه سیروس شمسیا

۱. فابل «fable»: معروفترین قسم تمثیل، تمثیل حیوانی است که فرنگیان به آن fable می‌گویند و آن را یکی از انواع ادبی می‌دانند. در فابل قهرمان حکایت (مشبه به تمثیلی) جانوران هستند که هر کدام تمثیل تپ یا

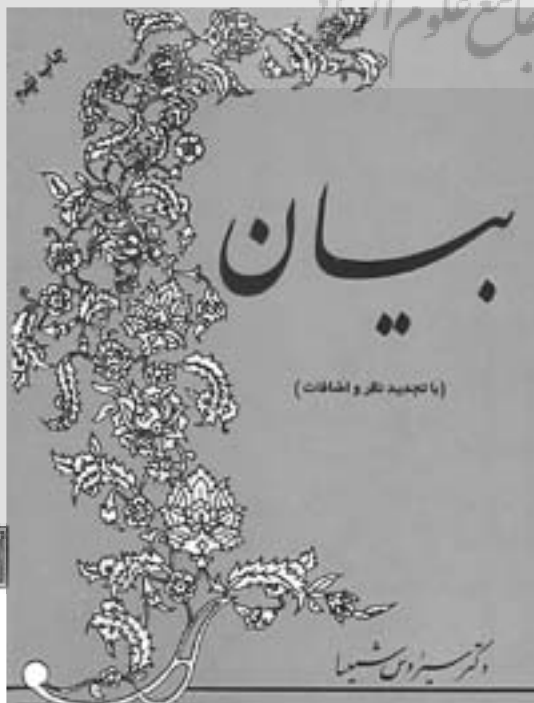
طبقه‌ای هستند. مثلاً در کلیله و دمنه شیر ممثل شاهان و حاکمان است. در منطق الطیر هدهد ممثل شیخ و رهبر.

۲. پارابل «parable»: یا مثل گویی از نوع تمثیل‌های غیر حیوانی است و در واقع روایت کوتاهی است که در آن شباهت‌های جزء به جزء بسیاری با یک اصل اخلاقی یا مذهبی یا عرفان وجود دارد و از این رو معمولاً از زبان پیامبران و عارفان و مردان بزرگ شنیده شده است. در باب پانزدهم انجیل لوقا آمده است:

«و چون همه باجگیران و گناهکاران به نزدش می‌آمدند تا کلام را بشنوند. فریسیان و کاتبان همه کنان می‌گفتند: این شخص (مسیح) گناهکاران را می‌پذیرد و با ایشان می‌خورد. پس برای ایشان مثل زده و گفت: کیست از شما که صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها کم شد و آن نود و نه را در صحرا نگذارد و از عقب آن گم شده نرود تا آن را بیابد.»<sup>۱۲</sup>

این تمثیل مفید این معنی است که نباید نسبت به گناهکاران و پشیمانان و توبه‌کردگان بی‌اعتنا بود. بلکه به شکرانه این که مردگان دوباره زنده شده‌اند باید ایشان را به آغوش باز پذیرفت.

۳. اگزمپلوم (exemplum): نوع دیگر تمثیل، اگزمپلوم یا داستان - مثال (مثال داستانی) است. اگزمپلوم داستان تمثیلی کوتاهی است که شهرت بسیار داشته باشد و شنونده به محض شنیدن تمام آن و حتی قسمتی از آن فوراً متوجه مشبه یا منظور باطنی گوینده و یک نتیجه اخلاقی شود. مثل داستان خرسی که می‌خواست زنبور با مگسی را از چهره دوست و صاحب خود که خوابیده بود دور کند و لذا سنگ کلانی را به سوی چهره صاحبش رها



احساس عدم

واقعیت و تصور

اینکه هر کدام

از این حیوانات

نماینده شخص

یا صنف خاصی

از انسان‌ها با

خلق و خوی‌های

متفاوت، امری

طبیعی است. زیرا

در این حکایات

حیوانات و اشیاء با

شخصیت انسانی

ظاهر می‌شوند و

از نظر کردار، گفتار

همانند انسانها

عمل می‌کنند





متضمن درس تعلیم اخلاقی مفید است، و در اغلب موارد شخصیت‌های آن حیوانات هستند. حماسه هم نیز یک حکایت تمثیلی است که شخصیت‌های آن هم حیوانات هستند، و اغلب سبک آن دروغین و ساختگی است.

از نمونه داستان‌های تمثیلی در ادبیات اروپایی، مزرعه حیوانات است که متضمن انتقادهای سیاسی و اجتماعی است. در فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان، از شییلی می‌خوانیم: «در فابل حیوانات مطابق با طبیعت خود عمل می‌کنند جز آنکه سخن می‌گویند. موضوعات و مایه‌های اصلی در فابل بی‌شمار است و بخشی از فرهنگ عوام و ابداعات اهل مغالطه است. دیدگاه فابل واقع‌گرا و کنایه‌آمیز است.»<sup>۱۳</sup>

۴. **پارابل (parable):** پارابل از ریشه «parabole» به معنی جایگزین و جانشینی است. به دلیل داشتن جنبه تمثیلی پارابل را در ذیل الگوری می‌آورند. این نوع حکایت‌ها را خاص کتاب‌های مذهبی دانسته‌اند. داستانی بازگو می‌شود تا مقدمه تبیین یک حقیقت مذهبی و دینی باشد. طرح داستان در پارابل، اصل مذهبی با درس اخلاقی، حقیقت عام را آشکار می‌سازد. در فرهنگ اصطلاحات مجدی وهبه، پارابل را چنین توصیف می‌کند: «قصه کوتاه و ساده‌ای که اغلب بر یک معنی و مقصود اخلاقی دلالت دارد. از پارابلها و امثال، مثل‌های حضرت عیسی

کرد و او را کشت. این داستان فوراً ما را به یاد این اصل می‌اندازند که: دشمن دانا به از نادان دوست.

محمد تقوی در کتاب خود (حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی) درباره داستان‌های تمثیلی تقریباً هم عقیده با تقی پور نامداریان است، و این چنین می‌گوید:

۱. **الگوری (Allegory):** الگوری از ریشه یونانی الگوریای گرفته شده به معنی طور دیگر سخن گفتن است. در واقع الگوری شیوه‌ای از بیان است، که در آن شخص هم نشان دهنده خودش است و هم نشان دهنده چیزی دیگر، در واقع می‌توان الگوری را به عنوان استعاره گسترده تعریف کرد. این اصطلاح اغلب برای داستانی به کار می‌رود که نویسنده از شخصیت و اعمالی که ضمن داستان آمده معنایی فراتر از ظاهر را در نظر دارد. معادل فارسی الگوری، تمثیل است و این تمثیل هم به عنوان یک شیوه بیان ادبی و هم به عنوان داستان، معانی و مصداق‌های متعدد دارد. در ذیل الگوری انواع دیگر داستان‌های تمثیلی که از جمله آنها فابل و پارابل است توضیح داده خواهد شد. که هر دو در زمره حکایت‌های تمثیلی می‌گنجد. الگوری یک داستان کامل است که بدون در نظر گرفتن جنبه تمثیلی آن هم می‌توان خواند و معنای کاملی از آن را درک کرد.

در حالی که در نوع دیگر فابل و پارابل همیشه چنین نیست و معنای داستان تنها با درک و فهم نویسنده با اجزای دیگر سخن او مفهوم و معنی دار خواهد شد. در یک تمثیل وقتی نویسنده رفتن قهرمانی بر تپه‌ای را وصف می‌کند، در واقع با این وصف مرحله‌ای از سیر و سلوک یا سفر و تکامل روحی را بیان می‌کند. تمثیل مضمون‌های گوناگونی دارد، از جمله سیاسی و اجتماعی که در اصل برای انتقاد و از نظام سیاسی، از طرح داستانی استفاده شده است.

۲. **فابل (fable):** فابل از ریشه یونانی fabula به معنی باز گفتن و بر روایت کردن تاکید دارد. در اصطلاح ادبی، فابل، داستان ساده کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوانات هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. شخصیت‌ها در فابل اغلب حیواناتند اما گاهی اشیای بی‌جان، موجودات انسانی در آن حضور دارند. از مترادفها و انواع مشابه فابل، آپولوگ و حماسه وحوش است. آپولوگ هم حکایت کوتاه به نظم و نثر است که

در زبان فارسی  
تمثیل‌هایی که  
عدم واقعیت در  
آنها ناشی از  
شخصیت بخشی  
به حیوانات و  
اشیاء است؛  
معمولاً برای  
انتقال یک فکر  
عرفانی یا یک  
تعلیم اخلاقی است.  
بنابراین در این  
تمثیل‌ها هر یک از  
حیوانات و اشیاء  
نماینده گروه خاصی  
از افراد در جامعه  
هستند، خواننده خود  
با ژرف نگری و  
تعمق در اینگونه  
داستان‌ها پی به معنی  
مکتوم آنها می‌برد



آنچه در  
حکایت‌های  
تمثیلی اهمیت  
دارد این است  
که، تأمل و تفسیر  
داستان‌های  
تمثیلی علاوه  
بر لذتی که  
برای خواننده  
دارد سبب به  
کار گرفتن  
نیروی عقل و  
تخیل خواننده  
می‌شود و همین  
دقت و تأمل  
خواننده است،  
که نویسنده  
می‌کوشد ممکن  
را تا آنجا که  
امکان است به  
لباس غیر ممکن  
به جلوه درآورد

است که در انجیل‌های چهارگانه وارد شده است. اصطلاح سازان انگلیسی و فرانسوی زبان اغلب آن را تنها بر امثال حضرت عیسی منطبق دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup> در پارابل اغلب شخصیت‌ها انسان‌ها هستند و در آن نظام اجتماعی تجزیه و تحلیل نمی‌شود. بلکه شنونده بیشتر متوجه عقاید خود می‌شود. در پارابل آنچه که ذهن خواننده را از شکل داستان بیشتر متوجه واقعیت نقادی آن می‌کند تأکیدهای اخلاقی و روحانی پارابل است. از ویژگی‌های مشترک فابل و پارابل همین تعلیم اخلاقی با روحانی یا مذهبی آشکار، از طریق داستان است. اما در پارابل طرح داستان بر اساس یک نمونه از اخلاق انسانی است که بعنوان مثالی برای اخلاق و رفتار همگانی مطرح است. ولی در فابل اغلب رفتارهای حیوانات نماد اعمال و رفتار انسانی هستند و فابلهای از حیث شکل داستانی کامل‌تر هستند. وجه امتیاز دیگر بین فابل و پارابل در این است، که در پارابل وقوع حادثه در عالم خارج احتمال دارد چون شخصیت‌ها انسان‌ها هستند ولی در فابل که اغلب شکل افسانه‌ای دارد. هر چند گاهی اعمال و حوادث در عالم حیوانی احتمال وقوع دارند. اما اغلب سلسله حوادث و ارتباط آنها و عمل حیوانات خود باعث غیر محتمل و غیر واقعی بودن داستان می‌شود.

### عدم واقعیت در تمثیل

بارزترین شکل عدم واقعیت در داستان‌های تمثیلی از طریق شخصیت بخشی آشکار می‌شود. حکایت‌های تمثیلی مخصوصاً حکایات تمثیلی که اغلب شخصیت‌ها حیوانات هستند (fable)، احساس عدم واقعیت و تصور اینکه هر کدام از این حیوانات نماینده شخص یا صنف خاصی از انسان‌ها با خلق و خوی‌های متفاوت، امری طبیعی است. زیرا در این حکایات حیوانات و اشیاء با شخصیت انسانی ظاهر می‌شوند و از نظر کردار، گفتار همانند انسان‌ها عمل می‌کنند. نمونه این حکایتها در کتابهای مرزبان نامه، کلیله و دمنه به وفور دیده می‌شود. در دیگر آثار منظوم و منثور ادب فارسی هم اینگونه حکایات بکار رفته است. شخصیت بخشی نوعی مجاز است. حیوانات و اشیاء در این داستان‌ها نیز معنی مجازی دارند و

قرینه‌ای که خواننده در می‌یابد که آنها در معنی مجازی بکار رفته‌اند، همان افعال و اعمال انسانی است که از آنها سر می‌زند. در واقع بیشتر این حکایات قصد تعلیم، پند و اندرز دارند. گرچه بعضی از این داستان‌ها گذشته از درس تعلیمی، اخلاقی، توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که در دربار اتفاق می‌افتد را بیان می‌کنند و در چنین داستان‌هایی هر یک از حیوانات، نماینده افراد گوناگونی هستند که اطراف حاکم را گرفته‌اند. بعنوان مثال در کتاب مرزبان نامه می‌توان به داستان شتر و شیر پرهیزگار اشاره کرد. در این داستان شیر پادشاه حیوانات به عدالت پیشگی و پرهیزگاری مشهور بود، به گونه‌ای که از گوشتخواری خوی باز کرده، و همه حیوانات در صلح و صفا زندگی می‌کردند. طی ماجراهایی شتری به دربار شیر آمد و در پناه امن او روزگار را می‌گذرانید. اما پس از مدت کوتاهی خرسی که در دربار شیر جایگاه و مقام والایی داشت بر شتر حسد برد و در فکر نابودی او بود. اما شیر با مشورت و اتحاد و همدلی دیگر خدم و حشم بارگاه پی به حقیقت برد. در این حکایت تمثیلی توطئه‌ها و دسیسه‌های درباریان علیه یکدیگر را بیان کرده و خاطر نشان کرده پادشاه عاقل کسی است که قضاوت بر پایه عدالت کند. اما غرض اصلی نویسنده از بیان همه این حکایات تمثیلی بیشتر تفهیم و تعلیم همان نتایج اخلاقی و اندرزهای مطرح در داستان است. بنابراین در اینگونه حکایات با قبول اینکه هر یک از این حیوانات نماینده انسانها هستند، به جای تأمل در نقش شخصیتها و تفسیر اجزای داستان باید به پیام کلی داستان توجه داشته باشیم. در واقع به سبب وجود همین رگه‌های عدم واقعیت است که در داستانها باید به دنبال دانه معنی باشیم. «به همین دلیل مولوی سفارش می‌کند در پیمانه قصه‌های کلیله و دمنه در جستجوی معنی باشیم.

... تا همی گفت آن کلیله بی زبان

چون سخن نوشد زدمنه بی بیان

ور بدانستند لحن همدگر

فهم آن چون کرد بی نطقی بشر

در میان شیر و گاو آن دمنه چون

شد رسول و خواند بر هر دو فسون

چون وزیر شیر شد گاونبیل

چون زعکس ماه ترسان گشت پیل  
این کلیله و دمنه جمله افتراست  
ورنه کی با زاغ لک لک را مری است  
ای برادر قصه چون پیمان‌ه‌ای است  
معنی اندر وی مثال دانه‌ای است  
دانه معنی بگيرد مرد عقل  
نگرد پیمان‌ه را گر گشت نقل»<sup>۱۵</sup>

همچنین می‌توان به داستان موش و مار<sup>۱۶</sup> در مرزبان نامه اشاره کرد. هدف راوی از بیان این حکایت این است که ثابت گردد که گاهی آنچه به حیلت توان کرد به قوت ممکن نباشد و گاهی استعداد از نیروی عقلانی و بکار بردن مکر برای غلبه بر خصم از هر نیرویی و زور بازویی برتر و بالاتر است. چنانکه در این داستان موش، این موجود ضعیف الجثه با مکرری که بکار برد توانست بر مار این موجود پلید غلبه کند.

بنابر بحث‌هایی که شد می‌توان نتیجه گرفت، در زبان فارسی تمثیل‌هایی که عدم واقعیت در آنها ناشی از شخصیت بخشی به حیوانات و اشیاء است؛ معمولاً برای انتقال یک فکر عرفانی با یک تعلیم اخلاقی است. بنابراین در این تمثیل‌ها هر یک از حیوانات و اشیاء نماینده گروه خاصی از افراد در جامعه هستند، خواننده خود با ژرف نگری و تعمق در اینگونه داستانها پی به معنی مکتوم آنها می‌برد.

### نتیجه‌گیری از بحث تمثیل

بنابر آنچه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت که تمثیل بطور کلی حکایت یا داستان کوتاه یا بلندی است. که در بردارنده فکر یا پیامی عرفانی، اخلاقی و تعلیمی است. اگر این فکر و پیام نویسنده آشکار باشد یا خود نویسنده به صراحت آن را بیان کرده باشد، آن را مثل یا تمثیل می‌نامیم. ولی اگر مقصود اصلی نویسنده در حکایت پنهان باشد و کشف آن احتیاج به فعالیت ذهنی و تفسیر داستان داشته باشد آن را تمثیل رمزی می‌نامیم. آنچه در حکایت‌های تمثیلی

اهمیت دارد این است که، تأمل و تفسیر داستان‌های تمثیلی علاوه بر لذتی که برای خواننده دارد سبب به کار گرفتن نیروی تعقل و تخیل خواننده می‌شود و همین دقت و تأمل خواننده است، که نویسنده می‌کوشد ممکن را تا آنجا که امکان است به لباس غیر ممکن به جلوه درآورد.

### پی‌نوشت

۱. قابوسنامه، تصحیح سعید نفیسی، ص ۲
۲. بهار، محمد تقی، (۱۳۸۰)، سبک‌شناسی، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۴-۱۹
۳. خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۷۵)، مرزبان‌نامه، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ص ۳۵
۴. شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات نیل، ص ۶۵، ۶۸
۵. همان؛ ص ۶۸
۶. دلاشو، لوفلر، (۱۳۶۶) زبان رمزی قصه‌های پروار، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات توس، ص ۴-۱۷
۷. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۴)، رمز داستانهای رمزی در ادب فارسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۸۹-۱۹۱
۸. داد، سیما، (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، انتشارات مروارید، ص ۸۷-۸۹
۹. پورنامداریان، تقی (۱۳۶۴)، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی؛ ص ۱۳۹
۱۰. همان، ص ۱۴۱
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر مدخل واژه مثل، ص ۴۰۰-۴۰۲
۱۲. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، معانی و بیان، تهران، انتشارات فردوسی ص ۷۹-۸۱
۱۳. تقوی، محمد، (۱۳۷۶)، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تهران، انتشارات روزنه، ص ۸۱-۸۲
۱۴. همان؛ ص ۹۴
۱۵. پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۳)، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۶۴.
۱۶. خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۷۵)، مرزبان‌نامه، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ص ۲۳۴